



نویسنده:

محمد صالح المنجد

مترجم:

عبدالغنی براهوی

منجد، محمدصالح Munajjid, Muhammad Salih

ظاهره ضعف الايمان: الاعراض - الاسباب - العلاج. فارسی

عوامل ضعف ایمان

نویسنده: محمدصالح المنجد

مترجم: عبدالغنی براهویی.

مشخصات نشر: تهران: احسان، ۱۴۰۳.

مشخصات ظاهری: ۱۲۳ ص. شابک: ۹-۴۳۳-۳۵۶-۹۶۴-۹۷۸

یادداشت: عنوان روی جلد: عوامل ضعف ایمان از دیدگاه اهل سنت.

یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع: ایمان (اسلام) - احادیث اهل سنت - قرن ۱۴

شناسه افزوده: براهویی، عبدالغنی، ۱۳۴۷ - مترجم

رده بندی کنگره: ۳۰۱۶۰۳/۲۸۵ظ/م/۸۵/۲۲۵BP

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۶۴

شماره کتابشناسی ملی: ۲۶۱۰۳-۱۳۰۳



www.ketab.ir



نشرین

## عوامل ضعف ایمان

[www.ketab.ir](http://www.ketab.ir)

مؤلف: محمد صالح المنجد

مترجم: عبدالغنی برآهویی

ناشر: نشر احسان

چاپخانه: مهارت

شمارگان: ۲۵۰ نسخه

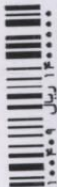
نوبت چاپ: سوم-۱۴۰۳

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۵۶-۴۳۳-۹



نشانی: تهران، خیابان انقلاب، روبروی دانشگاه تهران،  
پاساژ فروزنده، شماره ۴۰۶. تلفن: ۶۶۹۵۴۴۰۴

[www.nashrehsan.com](http://www.nashrehsan.com)



شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۵۶-۴۳۳-۹

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۵۶-۴۳۳-۹

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۵۶-۴۳۳-۹

عوامل ضعف ایمان

## فهرست مطالب

- سر دفتر..... ۵
- مقدمه‌ی مؤلف..... ۹
- فصل اول: نشانه‌های ضعف ایمان**..... ۱۳
- ۱- ارتکاب گناه و انجام کارهای حرام..... ۱۳
- ۲- احساس سنگدلی..... ۱۴
- ۳- عدم دقت کافی در انجام عبادات..... ۱۴
- ۴- سستی و کوتاهی..... ۱۵
- ۵- بی‌تابی و احساس فشار..... ۱۷
- ۶- اثر نپذیری از آیات قرآن..... ۱۸
- ۷- غفلت از دعا و ذکر..... ۱۹
- ۸- برآشفته نشدن در برابر تکالیف و حرمت‌های الهی..... ۱۹
- ۹- حب ظهور و نمایاندن خویش که سبب ذلیل است..... ۲۱
- ۱۰- بخل و آزمندی..... ۲۴
- ۱۱- گفتار و کردار ناهماهنگ و ناهمسان..... ۲۶
- ۱۲- اظهار شادمانی از شکست و زیان دیدن برادر مسلمان..... ۲۷
- ۱۳- نگرستن به امور از این منظر که آیا با انجام آن گناه مترتب می‌شود یا خیر؟..... ۲۸
- ۱۴- کم ارزش شمردن کارهای خیر..... ۳۱
- ۱۵- نپرداختن به قضایای امت اسلام..... ۳۳
- ۱۶- از هم گسستگی رابطه‌ی اخوت ایمانی..... ۳۴
- ۱۷- عدم احساس مسئولیت در قبال فعالیت‌های دینی..... ۳۶
- ۱۸- بی‌تابی و هراسناک شدن هنگام فرا رسیدن مصیبت..... ۳۸
- ۱۹- جدل و مناظره‌ی زیاد..... ۳۹
- ۲۰- دل بستگی به دنیا..... ۳۹
- ۲۱- اتخاذ شیوه‌ی عقلانی محض در گفتار..... ۴۰
- ۲۲- زیاده‌روی در اهمیت دادن به جسم..... ۴۱

- فصل دوم: عوامل ضعف ایمان ..... ۴۳
- ۱- دوری از فضاهای ایمانی ..... ۴۳
- ۲- دوری از الگوی نیک ..... ۴۵
- ۳- روی برتافتن از فراگیری علوم شرعی ..... ۴۶
- ۴- قرار گرفتن مسلمان در محیطی مملو از گناه ..... ۴۷
- ۵- وابستگی مفرط به دنیا و مظاهر آن ..... ۴۸
- ۶- سرگرمی بیش از حد به مال و فرزندان و ..... ۵۰
- ۷- آرزوی طولانی و بی‌نهایت ..... ۵۴
- ۸- زیاده‌روی در خورد و نوش و ..... ۵۵
- فصل سوم: راههای درمان ضعف ایمان ..... ۵۷
- ۱- اولین عامل درمان ضعف ایمان، تفکر و تدبیر در معانی قرآن ..... ۷۰
- ۲- ایجاد احساس عظمت باری تعالی در قلب ..... ۷۰
- ۳- فراگیری علوم شرعی ..... ۷۷
- ۴- التزام و پایبندی به حلقه‌های ذکر ..... ۷۸
- ۵- به صورت مداوم و به انجام دادن اعمال صالح ..... ۸۰
- ۶- تنوع عبادات ..... ۹۲
- ۷- بیم داشتن از عاقبت بد ..... ۹۵
- ۸- مرگ را به کثرت یاد آوردن ..... ۹۸
- ۹- شناخت و یادآوری منازل آخرت ..... ۱۰۳
- ۱۰- هماهنگ و همگام با پدیده‌های طبیعی و ستهای کونی ..... ۱۰۵
- ۱۱- ذکر الله ..... ۱۰۷
- ۱۲- مناجات فروتنانه ..... ۱۱۲
- ۱۳- کوتاهی آرزوها ..... ۱۱۴
- ۱۴- اندیشیدن درباره کم ارزش بودن متاع دنیا ..... ۱۱۵
- ۱۵- بزرگداشت و تعظیم حرمت‌های خداوند ..... ۱۱۶
- ۱۶- توبی و تبری ..... ۱۱۸
- ۱۷- پاکسازی قلب از زنگار کبر و غرور ..... ۱۱۸
- ۱۸- قلبها همیشه دارای حرکات و سکناتی هستند ..... ۱۱۹
- ۱۹- محاسبه نفس ..... ۱۱۹
- ۲۰- دعا و نیایش از قوی‌ترین اسباب تقویت ایمان ..... ۱۲۰

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

### سرفتر...

قصه‌ی ایمان و کفر، نار و بود فلسفه‌ی آفرینش است، خداوند چون خشت اول ساختمان انسانیت را بنیاد نهاد، هدف را در عبادت خویش خلاصه نمود "و ما خقلت الاّ انس و الجن الاّ ليعبدون" اینست ایمان و درخشش آن! چون خورشید از آسمان رانده شود و در پشت کوههای سربفلک کشیده و صخره‌های سترگ گم گردد شب تاریک بر پشت زندگی تازیانه‌ی خاموشی می‌زند، اینست نمادی از کفر!

آری! دو قطب یک آهنربا، با ایمان و یا کفر... مرز مشترکی بین این دو نخواهید یافت... اما نمی‌توان رنگهای طبیعی را در سفیدی و سیاهی خلاصه کرد، حتی بین دو رنگ سفید و سیاه رنگهای بسیاری است که نمی‌توان منکر وجودشان شد! همچنین کسی را توان انکار فاصله‌ی زمانی بین خورشید درخشانی که در وسط آسمان گرمی و حرارت ایمان را به بشریت هدیه می‌کند و بین شب تاریک و سرمستی که جز آه جیرجیرکها در خورجین ندارد نیست...

خورشید تابان ایمان بر قلبهای عاشق طلوع می‌کند و در مداری وابسته به تپش ایمان و عشق الهی آنان می‌چرخد، که گهی آنچنان این آفتاب درخشان با قلب مؤمن انس می‌گیرد که تجلی آن را بر صورت مؤمن راستین می‌بینی... اینجاست که با دیدن مؤمن خدای را به یاد می‌آوری...

و گاهی نیز ورزش بادهای تند مستی ابرهای کبود گناه را بر چهره آفتاب ایمان می‌مالد و اینجاست که بوی کفر و نفاق و دورویی را از فرسنگها دور در چهره‌ی آشفته آن مسلمانان می‌خوانی...

گذر تاریخ اسلام روزی به دره‌های عمیق فلسفه سیاه افتاد در آنجا سخن از ایمان بود که آیا ثابت است یا متغیر؟!... آیا نوسان دارد یا که با یکبار کلمه توحید چنان از کفر و نفاق و شرک و گناه و اکسینه می‌شوی که هیچ میکروبی را توان پاره کردن پرده آهنین ایمان تو نیست؟! فقیهان و فیلسوفان زمان سالیان دراز با توپ و تشر بر سر هم کوفتند و هر کسی بر ساز خویش می‌رقصید غافل از اینکه دریابند این فلسفه‌ی بیجا خود سدراهی است بر گزینش ایمانی فرد.

کتاب "عوامل ضعف ایمان" چراغی است بر فراز راه که نه از فلسفه‌های مرده سخن می‌گوید و نه با تاریخ حدیث‌های مست سخنوران و خطیبان و روضه‌خوانان هم آهنگ است. کتابی است که از حقیقتی آشنا با همه قلبها سخن می‌گوید. به یاد آور آن لحظات ملکوتی ماه مبارک رمضان را، آنگاه که چشم‌هایت چشمه‌های جوشان اشک عشق الهی بودند، تپش قلبت با خدا سخن می‌گفت، دست‌هایت، پاهایت، چشم‌هایت، گوش‌هایت، همه اعضای بدنت هم آهنگ خدای را صدا می‌زدند...

و همین تو بودی که ساعاتی بعد سوار بر خر شیطان در راه گناه قدم نهاده‌ای این درد را من، تو، او، همه‌ی ما احساس می‌کنیم، همه درک می‌کنیم که پس از سیر مراحل عرفانی چه حال و هوایی به ما دست می‌دهد. و با دوری از آنها چه بسیار از لذتهای ایمانی محروم می‌گردیم. احساسی است راستین که یاران رسول خدا باری با ایشان درد دل می‌کردند که ای پیام‌آور آسمان چون در کنار تو و با تویم در حالتی ملکوتی و عرفانی بسر می‌بریم و چون به خانه می‌رویم و با زنان و فرزندانمان می‌نشینیم از لذتهای عرفانی محروم می‌شویم. اینجا بود که رسول

اکرم ﷺ بدانان فرمود که اگر همیشه در آن حالات ملکوتی می بودید فرشتگان آسمان روی زمین به شما سلام می کردند!...

قله‌ی ایمان کامل بسیار سربلک کشیده است که هر کس را توان ماندگار شدن بر فراز آن نیست. این کتاب سخن از قصه تلخ ضعیف شدن ایمان می زند و با زیرکی خاصی نشانه‌های بیماری قلب و عوارض ناشی از آن را برمی شمرد، سپس راههای بسیار زیبایی برای علاج و درمان بیماری پیشنهاد می کند.

انتخاب این کتاب برای ترجمه از جانب برادر و استاد بزرگووارم جناب مولوی عبدالغنی براهویی بخشی از روند کاری ایشان را تشکیل می دهد که همیشه سعی دارد مشکلات جامعه را ریشه یابی کرده و بجای جنگ با برگ و شاخه به نبرد با ریشه پردازد که چون ریشه‌ی بیماری در زیر آوارها قطع شود، خودبخود جامعه با سرعتی سرسام آور به سوی سلامتی پیش خواهد رفت.

شایسته است که این انتخاب زیبا را به او تبریک گفته با خواندن این کتاب ارزنده و بهره گرفتن از آن به زحمتهای بی دریغ او ارج بگذاریم.  
از بار اله یکتا تمنای آن دارم که بیاموزاند ما را آنچه به نفع ما است، و فایده رساند ما را از آنچه آموخته‌ایم و قلبهای ما را ملامال ایمان و علم و دانش گرداند.  
الهی آمین...



## مقدمه‌ی مؤلف

«إِنَّ الْحَمْدَ لِلَّهِ نَحْمَدُهُ وَنَسْتَعِينُهُ وَنَسْتَغْفِرُهُ وَنَسْتَهْدِيهِ وَنَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شَرِّهِ وَأَنْفُسَنَا وَسَيِّئَاتِ أَعْمَالِنَا مِنْ يَهْدِيهِ اللَّهُ فَلَا مَضِلَّ لَهُ وَمَنْ يَضِلَّ فَلَا هَادِيَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ»<sup>(۱)</sup> «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا»<sup>(۲)</sup> «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ قُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا»<sup>(۳)</sup>

اما بعد:

بدون شک پدیده‌ی ضعف ایمان، از بلایایی است که متأسفانه، بین اکثر مسلمانان شیوع گسترده‌ای یافته است؛ به طوری که گاهی برخی از آنان، سنگ‌دلی و ضعف ایمان خود را با این عبارات‌ها اظهار می‌دارند: «احساس می‌کنم قلبم سخت

شده است»، «از عبادتم لذت نمی‌برم» «احساس می‌کنم ایمانم افت کرده است یا ایمانم رو به کاهش است» «از تلاوت قرآن متأثر نمی‌شوم، به آسانی گناه و معصیت می‌کنم» و ... آثار و نشانه‌های این بیماری، در بسیاری از افراد آشکار است. با کمال تأسف باید گفت که اساس هر مصیبتی، و علت هرگونه کاستی‌ای بین مسلمانان، همین بیماری است و بس! بنابراین، موضوع قلب‌ها، موضوعی بسیار حساس و مهم است.

قلب را به خاطر سرعت ضربان و کثرت تغییر و تحولش، قلب نامیده‌اند. رسول الله ﷺ می‌فرماید: «إِنَّمَا سُمِّيَ الْقَلْبُ مِنْ تَقَلُّبِهِ، إِنَّمَا مِثْلُ الْقَلْبِ كَمِثْلِ رِيشَةِ مَعْلَقَةٍ فِي أَصْلِ شَجَرَةٍ يُقَلِّبُهَا الرِّيحُ ظَهْرًا لِبَطْنٍ» (۱)

قلب را به خاطر دگرگونی و ضربانش، قلب نامیده‌اند. حکایت قلب همچون پر پرندۀ ای است که به ساقی درختی آویزان شده و باد آن را پشت و رو کند.

نیز فرموده است: «مِثْلُ الْقَلْبِ كَمِثْلِ رِيشَةِ بَارِضٍ فَلَإِنَّ تَقَلُّبَهَا الرِّيحُ ظَهْرًا لِبَطْنٍ» (۲)

حکایت قلب، مانند پر پرندۀ ای است که در بیابان افتاده و باد آن را پشت و رو می‌کند.

تغییر و تحول قلب، و انقلاب و دگرگونی آن، بسیار شدید است؛ چنان‌که رسول اکرم ﷺ بیان کرده است: «لَقَلْبُ ابْنِ آدَمَ أَسْرَعُ تَقَلُّبًا مِنَ الْقَدْرِ إِذَا اسْتَجْمَعَتْ غَلِيَانًا» (۳)

سرعت جوشش و ضربان قلب انسان از جوشش دیگری که به حداکثر دمای جوش خود رسیده باشد، سریع‌تر و شدیدتر است.

۱- مسند احمد، ج ۴، ص ۱۴۰۸ صحیح الجامع الصغیر، شماره ۲۲۶۵.

۲- ابن ابی عاصم در کتاب السنّة، شماره ۲۲۷، و سندش صحیح است. شیخ آلبنانی در ظلال الجنّة فی تخریج السنّة، ج ۱، ص ۱۰۲ ذکرش کرده است.

۳- السنّة، ابن ابی عاصم، شماره ۲۲۶؛ آلبنانی، ظلال الجنّة فی تخریج السنّة، ج ۱، ص ۱۰۲.

در روایتی دیگر آمده است: «أشدُّ انقلاباً من القدر إذا اجتمعت غلباً»<sup>(۱)</sup>  
انقلاب و دگرگونی قلب، از جوشش دیگری که به اوج جوشش خود رسیده باشد،  
شدیدتر است.

خداوند مقلب القلوب و دگرگون‌کننده‌ی قلب‌هاست و همه‌ی قلب‌ها در دست  
اویند. به هر سمتی و سویی که بخواهد، آن‌ها را برمی‌گرداند. حضرت عبدالله بن  
عمرو بن العاص می‌گوید: از رسول الله ﷺ شنیدم که می‌فرمود: «إن قلوب  
بني آدم كلها بين أصبعين من أصابع الرحمن كقلب واحد يصرفه حيث  
يشاء»

«همه‌ی قلب‌های آدم‌زادگان، همانند یک قلب، بین دو انگشت از انگشتان خدای  
رحمان قرار دارند، او به هر جهتی که بخواهد آن‌ها را سوق می‌دهد.»

سپس رسول الله ﷺ چنین دعا فرمودند: «اللَّهُمَّ مصرّف القلوب صرّف  
قلوبنا على طاعتك»<sup>(۲)</sup>

بارها! تو برگرداننده‌ی قلب‌ها و دگرگون‌کننده‌ی آن‌ها هستی. پس قلب‌های ما را به  
سمت طاعت و بندگی خویش برگردان!

از طرف دیگر، خداوند بین انسان و قلبش حایل می‌شود: «إن الله يحول بين  
المرء و قلبه» در قیامت نجات و رهایی از آن کسی است که به پیشگاه پروردگار با  
قلبی پاک و سالم بیاید: «إلا من أتى الله بقلب سليم» و هلاکت و تباهی از آن  
کسانی است که قلب‌های‌شان سخت و از ذکر و برنامه‌ی الهی غافل مانده باشند:  
«وَأَنَّ الْوَيْلَ لِلْقَاسِيَةِ قُلُوبِهِمْ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ» و نوید بهشت به کسی داده شده است

۱- روایت از امام احمد، ج ۶، ص ۴، صحیح الجامع الصغیر، شماره ۵۱۴۷.

۲- صحیح مسلم، شماره ۲۶۵۴.

که به پیشگاه خداوند با قلبی فروتن و فرمانبردار بیاید و در نهان از او بهراسد: ﴿مَنْ خَشِيَ الرَّحْمَنَ بِالْغَيْبِ وَ جَاءَ بِقَلْبٍ مُنِيبٍ﴾

بنابراین، از آنجا که موضوع قلب، مهم و بسیار حساس است، بایسته‌ی هر مؤمنی است که قلبش را مورد واریسی قرار دهد و مخفیگاه بیماری و علت آن را شناسایی و پیش از رسوب زنگارها در آن، و قبل از آنکه دچار هلاکت و تباهی شود، جهت درمانش اقدام کند؛ چرا که موضوع، بسیار بزرگ و هشداردهنده است، چون خداوند ما را از قلبِ سخت، بیمار، کور، منحرف و مهر شده برحذر داشته است.

کتابی که هم اینک پیش رو دارید، تلاشی است برای تشخیص و شناسایی پدیده بیماری ضعف ایمان و شناخت عوامل ضعف و راههای درمان آن. از خداوند سبحان فروتنانه مسئلت می‌کنم که آن را برای من و سایر برادران مسلمانم مفید قرار دهد! و کسانی را که در چاپ و نشر آن زحمت کشیده و مشارکت ورزیده‌اند پاداش نیک و کامل عنایت فرماید. از خداوند تعالی می‌خواهم که قلب‌های ما را نرم و رقیق و به راه راست هدایت فرماید! «آمین»

«إِنَّهٗ نَعَمَ الْمَوْلَىٰ وَ هُوَ حَسْبُنَا وَ نَعَمَ الْوَكِيلُ»

محمد صالح المنجد